خبر

برگزاری کارگاه خوشنویسی «خط نصر» در حوزه هنری

کارگاه یک‌روزه «خط نصر» با حضور ۵۰ تن از هنرمندان خوشنویس، باهدف روایت معانی متعالی پیروزی و گشایش در حوزه هنری آغازبه‌کار کرد. این رویداد که با همکاری انجمن خوشنویسان ایران و مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری سازماندهی شده، فراتر از یک تمرین هنری، پاسخی هنری به نیاز روز جامعه برای بازخوانی مفاهیم نصرت و ایستادگی است. حسین غلامی هنرمند خوشنویس و مدیرگروه خوشنویسی مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری، در مراسم افتتاح این رویداد گفت: سوره مبارکه نصر، تنها روایتی از یک پیروزی نیست بلکه تجلی لحظه‌ای است که انسان پس از گشایش، با فروتنی در برابر حقیقت بزرگ‌تر سر به ستایش می‌برد. در شرایط کنونی، هنرمندان باید با استفاده از زبان هنر، از پایداری ملت و ارزش‌های میهن اسلامی دفاع کنند. در این کارگاه، هنرمندان با نگاهی متفاوت به آیات این سوره، تلاش خواهند کرد پیوند میان گذشته، هنر و واقعیت‌های امروز را در قالب نقش‌هایی ماندگار برقرار کنند. در این کارگاه یک‌روزه، هنرمندانی چون حمید احمدی، مجتبی ابراهیمی رومنجان، سیدمحمود ابوالقاسمی، محمدصادق احدپور، محمد البرزی، بابک البرزنیا، نیما الیکایی، علیرضا امین‌مقدم، عارف براتی، شکرالله برومند، مسعود پورزارعی و... حضور داشته‌اند.



یادداشت

دکتر موسی نجفی | استادتمام علوم سیاسی

بصیرت مردمی؛ سپر استقلال

انقلاب اسلامی ایران، هنگامی که از مرزهای جغرافیایی کشور فراتر رفت و به گفتمانی فرامنطقه‌ای تبدیل شد، به کانونی برای شکل‌گیری و تقویت جریان‌های همسو در منطقه بدل گشت. از این منظر، تحولات لبنان، عراق، فلسطین و یمن را نمی‌توان صرفا مسائلی خارج از مرزهای ایران دانست؛ زیرا گسترش یک گفتمان انقلابی می‌تواند بر ظرفیت اثرگذاری و قدرت راهبردی آن بیفزاید. در مقابل، دیدگاهی وجود دارد که اولویت را منحصرا به مسائل داخلی اختصاص می‌دهد و معتقد است ایران باید پیش از هر چیز بر اداره امور کشور متمرکز شود و از ورود به مسائل منطقه‌ای پرهیز کند. این دو رویکرد، درواقع، دو برداشت متفاوت از مفهوم امنیت ملی، منافع کشور و جایگاه منطقه‌ای ایران را بازتاب می‌دهند.

بااین‌حال، تجربه تحولات سال‌های گذشته نشان داده است که مسائل منطقه‌ای و امنیت داخلی ایران از یکدیگر جدا نیستند. آنچه در سوریه، لبنان، عراق، فلسطین و دیگر کشورهای منطقه رخ می‌دهد، می‌تواند بر معادلات سیاسی و امنیتی ایران نیز تأثیر بگذارد. از این منظر، تضعیف متحدان منطقه‌ای ایران ممکن است پیامدهایی فراتر از مرزهای آن کشورها داشته باشد. بنابراین، مسأله اصلی آن است که جامعه ایران تا چه اندازه از پیوند میان تحولات منطقه‌ای و منافع ملی آگاهی دارد و می‌تواند این تحولات را در چارچوبی تاریخی و راهبردی تحلیل کند.

در این میان، بصیرت مردمی اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. بصیرت به معنای پذیرش بی‌چون‌وچرای یک روایت سیاسی نیست بلکه به معنای شناخت تاریخ، درک منافع بازیگران، تشخیص زمینه‌های تحولات و توانایی تمایز میان واقعیت، تحلیل و تبلیغات است. جامعه‌ای که از چنین ظرفیتی برخوردار باشد، در مواجهه با بحران‌ها و تهدیدها امکان بیشتری برای تصمیم‌گیری آگاهانه خواهد داشت.

نگاهی به تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد که پس از برخی جنبش‌های بزرگ استقلال‌خواهانه و تحول‌طلبانه، کشور با مداخلات و دگرگونی‌های سیاسی گسترده‌ای روبه‌رو شده است. پس از جنبش مشروطه، کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ به وقوع پیوست و چند دهه بعد، درپی نهضت ملی شدن صنعت نفت، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ رخ داد. پس از انقلاب اسلامی نیز کودتای نوژه در چارچوب تلاش‌ها برای براندازی نظام تازه‌تأسیس قرار گرفت. هریک از این رویدادها زمینه‌ها، بازیگران و ویژگی‌های خاص خود را داشتند اما در نگاه تاریخی می‌توان آنها را در چارچوب مسأله استقلال سیاسی ایران و واکنش نیروهای مخالف به تغییر موازنه قدرت بررسی کرد.

این تجربه‌ها نشان می‌دهند که هرگاه یک حرکت بزرگ سیاسی و استقلال‌خواهانه، معادلات موجود و منافع بازیگران قدرتمند را دستخوش تغییر کند، احتمال شکل‌گیری مقاومت و واکنش در برابر آن را نمی‌توان نادیده گرفت. از این منظر، کودتا و بی‌ثبات‌سازی را نباید همواره سناریوهایی دور از ذهن و غیرواقعی تلقی کرد؛ همان‌گونه که ساده‌انگاری در برابر تهدیدها نیز نمی‌تواند مبنای یک راهبرد پایدار باشد.

البته شناخت تاریخ به معنای یکسان دانستن همه رویدادها یا نتیجه‌گیری قطعی درباره تکرار آنها نیست. اهمیت تاریخ در آن است که جامعه را نسبت به الگوهای مداخله، زمینه‌های بی‌ثباتی و پیامدهای تصمیم‌های سیاسی حساس می‌کند. جامعه‌ای که گذشته خود را می‌شناسد و تحولات پیرامونش را با دقت دنبال می‌کند، بهتر می‌تواند میان تهدید واقعی، تحلیل مستند و فضاسازی تبلیغاتی تمایز بگذارد.

از همین رو، راه مقابله با بی‌ثبات‌سازی، پیش از هر چیز، از افزایش آگاهی عمومی و تقویت قدرت تشخیص جامعه می‌گذرد. مردم باید بتوانند تحولات سیاسی و امنیتی را در بستر تاریخی و منطقه‌ای خود ارزیابی کنند و از تحلیل‌های شتاب‌زده یا روایت‌هایی که بدون بررسی شواهد ارائه می‌شوند، فاصله بگیرند. بصیرت مردمی زمانی به سرمایه‌ای ملی تبدیل می‌شود که بر شناخت، آگاهی و قدرت داوری مستقل استوار باشد.

در این چارچوب، می‌توان تحولات منطقه‌ای را نیز از منظر تأثیر آنها بر امنیت و موقعیت راهبردی ایران بررسی کرد. از نگاه حامیان رویکرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی، پیوندهای سیاسی و راهبردی با جریان‌های همسو می‌تواند عمق نفوذ و ظرفیت بازدارندگی ایران را افزایش دهد. بر همین اساس، تضعیف این پیوندها ممکن است موازنه منطقه‌ای را تغییر دهد و زمینه را برای افزایش فشار بر ایران فراهم کند. تحولات سوریه و پیامدهای آن برای حزب‌الله لبنان و معادلات امنیتی منطقه، ازجمله موضوعاتی است که در این چارچوب موردتوجه قرار می‌گیرد؛ هرچند بررسی رابطه میان این رخدادها و تحولات امنیتی ایران، نیازمند توجه به مجموعه عوامل و شواهد است.

متن کامل

گفت‌وگو با وحید علیپور، رهبر ارکستر «آلنام» به بهانه برگزاری کنسرت «شب آذربایجان» و پروژه «میان ستاره‌ای»

موسیقی زبان مشترک ملت‌هاست



عکس: مجید آزاد / جام جم



آزاده صالحی
گروه فرهنگ و هنر

پروژه موسیقایی «میان ستاره‌ای» یک سال پس از اولین اجرای خود، یک‌بار دیگر امشب (۱۸مهرماه) با ارکستر فیلارمونیک «آلنام» به رهبری وحید علیپور در مرکز همایش‌های برج میلاد تهران پیش روی مخاطبان قرار خواهد گرفت. این پروژه که نخستین‌بار آذرماه سال گذشته به اجرای زنده موسیقی فیلم «میان ستاره‌ای» به کارگردانی کریستوفر نولان پرداخت در این اجرا از تصاویر و فضای ویژه این فیلم نیز بهره گرفت. در اجرای پیش رو، این ارکستر بار دیگر قطعات ماندگار هانس زیمر آهنگساز این فیلم را اجرا خواهد کرد و تجربه‌ای از تلفیق موسیقی و سینما را در معرض دید مخاطبان قرار می‌دهد. تهیه‌کنندگی این پروژه را لیلا پورموسوی برعهده دارد و بهراد سوخکیان کنسرت مایستر، سهیل سلیم‌زاده مدیر هنری، جواد آبراهان مشاور هنری و محمد مطلق مدیر فنی این پروژه هستند. به این بهانه با رهبر ارکستر «آلنام» به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

اگر ممکن است ابتدا درباره ضرورت بازاجرای پروژه «میان ستاره‌ای» توضیح دهید و این‌که اساسا چه دلایلی باعث شد به اجرای مجدد این رویداد بپردازید؟

پیش از این‌که به سوال شما پاسخ دهم باید بگویم در کنسرت پیش رو دو رپرتوار را اجرا خواهیم کرد. یکی اپرای «شب آذربایجان» که سانس اول این کنسرت را تشکیل می‌دهد و دیگری پروژه فیلم «میان ستاره‌ای». ما این پروژه را سال گذشته در تالار وحدت نیز اجرا کردیم که استقبال زیادی از آن به عمل آمد. بعد از آن مردم در کامنت‌هایی که در فضای مجازی برایمان گذاشتند درخواست داشتند این کنسرت تمدید شود اما این‌که چرا اجرای موسیقی چنین فیلمی را انتخاب کردم، در درجه اول به علاقه شخصی خودم نسبت به فیلم برمی‌گردد. «میان ستاره‌ای» یکی از شاهکارهای نولان است که به مفاهیمی مانند از بین رفتن محیط زیست، آینده بشر، نظریه فیزیک اینشتین و مباحثی مانند سیاهچاله و کرمچاله‌ها اشاره دارد. از آنجا که به شخصه همیشه به مباحث کیهان‌شناسی علاقه‌مند بوده‌ام تصمیم گرفتم به اجرای موسیقی این فیلم در قالب ارکسترال بپردازم. به‌خصوص این‌که بعد از اجرای سال گذشته، بازخوردهای خوبی از این کنسرت دریافت کردیم. منتها سعی کردیم امسال به‌لحاظ تنظیم قطعات، تفاوتی با اجرای سال گذشته ایجاد کنیم و باوجود محدودیت‌هایی که هست، از صدای «ارگان» در این کنسرت بهره بگیریم به‌طوری که تم اصلی این فیلم روی صدای ارگان تمرکز دارد.

در سال‌های اخیر بیش از گذشته شاهد تعامل هنرها با یکدیگر بوده‌ایم. به‌عنوان مثال این روزها موسیقی با تئاتر بیشتر درهم تنیده شده یا خود شما از سینما در کنسرت اخیرتان بهره گرفته‌اید. این تعامل را چطور ارزیابی می‌کنید؟

نکته‌ای که وجود دارد این است که در سال‌های اخیر اساتید موسیقی توانسته‌اند گوش هنرجویان را به‌خوبی تربیت کنند. به همین خاطر است که امروز بیش از دهه‌های پیش می‌بینیم خانواده‌ها علاقه دارند فرزندان خود را به کلاس‌های موسیقی بفرستند. از همه مهم‌تر این‌که فراگیری کودکان و نوجوانان در این حیطه باعث شده سطح شنیداری آنها نسبت به موسیقی کلاسیک ارتقا یابد. این تربیت شنیداری در حال حاضر در جامعه ما صورت گرفته و باعث شده کنسرت‌های پاپ هم کمتر به سمت سینتی سایزر و کیبورد بروند و سازهای زهی را جایگزین آن کنند تا کنسرتشان از صدادهی بهتری برخوردار شود. از سوی دیگر، به نسبت سال‌های قبل با تعداد بیشتری از تئاترهای موزیکال روبه‌رو هستیم. اگرچه نقش اصلی را در این رویدادها تئاتر به‌عهده دارد ولی همراهی موسیقی زنده در کنار تئاتر توانسته در جذب مخاطبان نقش زیادی داشته باشد به‌طوری که امروز دیگر تئاترهایی که از موسیقی زنده و ارکستر در کار خود استفاده نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند به‌دلیل کمبود بودجه از افکت بهره بگیرند، کمتر مورد استقبال مخاطبان واقع می‌شوند.

یکی از مشکلاتی که در حوزه موسیقی اصیل ایرانی وجود دارد، نبود اسپانسر است. چقدر با این مسأله برخورد کرده‌اید؟

نبود حامی مالی همیشه یکی از بزرگ‌ترین معضلات بر سر راه اهالی موسیقی به‌شمار می‌رود و من هم از این قاعده مستثنی نبوده‌ام. منتها فرق من با باقی هنرمندان این است که اگر اسپانسر برای برگزاری کنسرت نیابم، باز هم به‌کار خود ادامه می‌دهم. کما این‌که بارها پیش آمده برای عملی کردن پروژه‌هایم، از جیب خود سرمایه گذاشته و کنسرت برگزار کرده‌ام. چون اعتقادم بر این است که هنرمند باید خودش جلو برود. از سوی دیگر وقتی حامی مالی سرمایه خود را به میان می‌آورد، متوقع است قطعاتی اجرا شود که به بازگشت سرمایه او کمک بیشتری کنند. به بیان ساده‌تر، در این مواقع کنسرت‌ها بیشتر حالت بازاری به خود می‌گیرند تا کیفی. طبیعی هم هست. چون سرمایه‌گذار به‌هر حال نگاه کاسبکارانه و منفعت‌طلبانه به قضیه دارد. در این بین به‌ندرت پیدا می‌شود سرمایه‌گذارانی که حاضر باشند حمایت مالی از یک کنسرت را به‌عهده بگیرند بی‌آن‌که در آن مداخله کنند و اصرار داشته باشند سلیقه شخصی‌شان اعمال شود.

متأسفانه در سال‌های اخیر تولیدات انبوه و چندان مطلوبی نداشته‌ایم و همین باعث شده سلیقه شنیداری مخاطبان به‌سمت موسیقی بی‌کیفیت برود

تصور می‌کنم تلقی برخی از مخاطبان نسبت به کنسرت‌های موسیقی آذری، کردی و جنوبی آن است که از موسیقی این مناطق تنها وجه شادی‌بخشی برداشت می‌شود، در حالی که به‌طور قطع گستره موسیقی جنوب، کردستان و آذربایجان وسیع‌تر از آن است که تنها این جنبه آن در معرض مردم قرار بگیرد. در برگزاری کنسرت‌های ارکستر آلنام چقدر با این مسأله مواجه بوده‌اید؟

من ارکستر آلنام را در سال ۹۸ با همراهی ودود مؤذن‌زاده پایه‌ریزی کردم. ابتدای کار وقتی در شهرهایی مثل تهران، تبریز و اردبیل کنسرت می‌گذاشتیم با مسأله‌ای که در سوالتان اشاره کردید مواجه می‌شدم و می‌دیدم بخشی از مخاطبان صرفا به این دلیل به کنسرت می‌آیند که جنبه شادی و پایکوبی را از کنسرت آذری دریافت کنند اما به‌تدریج مردم متوجه شدند موسیقی ترکی جنبه‌های دیگری هم دارد. حالا باوجود گذشت چندین سال از تأسیس این ارکستر می‌توانم بگویم موسیقی آذربایجان تا حدودی نزد مخاطبان جاافتاده. ضمن این‌که مخاطبان پیشتر قطعاتی مثل «لیلی و مجنون»، «مشدی عباد» و... را به شکل غیرارکسترال و به‌وسیله آنسامبل‌ها شنیده بودند و در سال‌های اخیر توانسته‌اند به‌وسیله ارکستر آذربایجان، این قطعات را به شکل ارکسترال و متفاوتی بشنوند؛ به‌خصوص این‌که جواد آبراهان در ارکستر ما یکی از هنرمندان چیره‌دستی است که به‌خوبی توانسته به تنظیم قطعات فولکلور بپردازد. واقعیت این است که موسیقی آذربایجان غنی و دامنه‌دار است و فقط به لحظات شادی محدود نمی‌شود. به‌نظرم اگر مردم نسبت به این نوع موسیقی چنین برداشتی کرده‌اند، به خاطر کم‌کاری همکارانمان در گذشته بوده که این مسأله را بد جا انداخته‌اند. البته من در این سال‌ها خود را ملزم ندانسته‌ام که فقط موسیقی آذربایجان را کار کنم و در کنار آن در موسیقی کلاسیک، موسیقی فارسی، موسیقی فیلم و... هم فعالیت داشته‌ام اما خط اصلی فعالیت ارکستر ما برپایه موسیقی آذربایجان مبتنی است. با این حال همیشه بر این باور بوده‌ام که موسیقی هنری است که فراتر از مرزهای جغرافیایی پیش می‌رود.

فکر می‌کنید جشنواره‌هایی مثل موسیقی نواحی که بیش از دو دهه هم از عمر فعالیت‌شان می‌گذرد توانسته‌اند در شناسایی ظرفیت‌های موسیقی اقوام مختلف تاثیرگذار باشند؟



به‌نظر من جشنواره‌ها سالانه به شکل روتین و از سر انجام وظیفه برگزار می‌شوند و نباید انتظار داشت در پیشبرد یک شاخه موسیقی نقش سازنده‌ای ایفا کنند. در مجموع احساس می‌کنم جشنواره‌ها به آن شکلی که باید نتوانسته‌اند در پرکردن این خلأها تاثیرگذار باشند. با نگاهی به مارکت فعلی موسیقی می‌توان به این جواب دست یافت. تصور می‌کنم هنرمندان با برگزاری کنسرت‌هایشان بیشتر می‌توانند در این زمینه سهیم باشند اما متأسفانه در سال‌های اخیر تولیدات انبوه و چندان مطلوبی نداشته‌ایم و همین باعث شده سلیقه شنیداری مخاطبان به‌سمت موسیقی بی‌کیفیت برود. وگرنه گاه دیده‌ایم با وایرال شدن یک قطعه موسیقی سنتی خوب در فضای مجازی، مردم چقدر از آن استقبال کرده‌اند. پس بحث این نیست که مخاطب امروز دیگر گرایشی به موسیقی اصیل ایرانی ندارد. اگر تولیدات خوبی در این حیطه و کلا در هر یک از دیگر ژانرهای موسیقی صورت بگیرد می‌تواند مردم را به‌خود جلب کند.

در سال‌های اخیر از اغلب اهالی موسیقی می‌شنوم به این نکته اشاره دارند که کشورهای همجوار مانند آذربایجان و ترکیه خیلی بیشتر از ما توانسته‌اند در معرفی موسیقی اصیل و بومی خود به جهان موفق باشند، در حالی که ما از این قافله عقب مانده‌ایم. نظرتان در این خصوص چیست؟

البته فراموش نکنیم موسیقی آنها نسبت به ما پیشرفت کرده. وگرنه در بخش جهانی نتوانسته‌اند یکه‌تاز باشند ولی دلایل پیشرفت کشورهای همسایه در حفظ و معرفی موسیقی اصیل خودشان روشن است. کشوری مثل آذربایجان سالانه نزدیک به ۱۵ یا ۲۰ فستیوال جهانی برگزار می‌کند و هنرمندان بزرگی از کشورهای اروپایی و آمریکایی در این رویدادها حضور می‌یابند. یا ترکیه به همین ترتیب؛ به‌خصوص که این کشور در سال‌های اخیر روی مسأله جذب توریست فعالیت‌های زیادی انجام داده است. ما چندان که باید در این زمینه کار نکرده‌ایم. کشورهای همسایه از ارکسترهای دولتی متعددی برخوردارند، درحالی که ما دو ارکستر سمفونیک تهران و ارکستر ملی را داریم که تلاش می‌کنند با کمترین امکانات، بهترین کارها را ارائه دهند که الحق هم همین‌طور بوده است.

حتی در این سال‌ها اپرا هم در موسیقی ما مغفول مانده است.

همین‌طور است. اپرا یکی از ژانرهایی است که در موسیقی ما جای خالی آن احساس می‌شود. البته در سال‌های اخیر شبه‌اپراهایی به‌وجود آمده‌اند که با بهره‌گیری از تئاتر توانسته‌اند نظر مردم را به‌خود جذب کنند اما واقعیت این است زمینه اجرای اپراهایی مثل کارمن، توسکانی نی و... در کشور ما فراهم نبوده.

به‌جز آن حتی در این سال‌ها اپراهایی که بزرگان موسیقی ایران مانند زنده‌یاد حسین دهلوی، لوریس چکناواریان و هنرمندانی از این دست نوشته‌اند هم مجالی برای اجرا پیدا نکرده‌اند.

کاملا درست است. اپرا یکی از قدرتمندترین ژانرهای موسیقی است. گاهی آهنگسازان از اجرای یک اپرا روی موسیقی تاکید داشته‌اند و گاه روی ادبیات و کلام. در عین حال هنری متنوع است که در آن هنرهای دیگری چون تجسمی، دکور، ادبیات، خوانندگی، بازیگری، روایت و اپیزودهای مختلف نیز به‌چشم می‌خورد که ما تا امروز به آن معنا اپرا نداشته‌ایم؛ هرچند به‌نظرم تئاترهای موزیکال می‌توانند شروع‌کننده این جریان باشند.

نکته‌ای هست که بخواهید به گفت‌وگو اضافه کنید؟

همیشه بر این باور بوده‌ام فرقی ندارد چه نوع موسیقی‌ای اجرا کنیم. آنچه اهمیت دارد این است که موسیقی در نهایت یک زبان واحد است که اگر کلام را از روی آن برداریم دیگر متعلق به جغرافیای خاصی نیست و می‌تواند برای همه مخاطبان دنیا قابل شنیدن باشد. این مسأله را بتهوون با نگارش سمفونی ۹ خود به‌دنیا اثبات کرد. کما این‌که موتزارت نیز با وجود آن‌که آلمانی الاصل بود، اپراهای خود را به زبان ایتالیایی می‌نوشت. یا همین امروز، دیگر حافظ، سعدی، فردوسی، مولانا و... فقط متعلق به ما نیستند بلکه به‌دلیل اندیشه و اشعار جهانشمولشان به تمام کشورهای جهان تعلق دارند.

گزارش

هالیوود در برابر افشاگری‌ها «نازا» زانوزد



کیکاوس زیاری
گروه فرهنگ و هنر

اکران موفقیت‌آمیز بین‌المللی مستند افشاگر و تکان‌دهنده «نازا» با نمایش در سینماهای کشور ایتالیا آغاز شد. این فیلم در سه روز نخست نمایش خود با استقبال بسیار بالای تماشاگران ایتالیایی روبه‌رو شد و توانست با شکست دادن تازه‌ترین قسمت بلاک باستر هالیوودی «اسپایدرمن/ مرد عنکبوتی»، صدرنشین جدول هفتگی نمایش سینماهای این کشور مهم اروپایی شود. رسانه‌های گروهی ایتالیا که به استقبال این خبر رفتند، می‌گویند فیلم در اولین روزهای نمایش خود موفق شد با فروشی بالای یک میلیون دلار صدرنشین جدول گیشه نمایش این کشور شود.

رقم معقول و بالا

تحلیلگران اقتصادی سینما می‌گویند باید توجه داشت که محصولات سینمایی در قاره اروپا، معمولا با چنین رقم‌های فروشی موفق به صدرنشینی جدول می‌شوند و میزان فروش آنها را نباید با فروش جدول گیشه کشوری مثل آمریکا مقایسه کرد که شاهد رقم‌های بسیار بالاتری در این رابطه است. همین تحلیلگران به رقم فروش ۴۰۰ هزار دلاری قسمت تازه اسپایدرمن طی سه روز اشاره می‌کنند و براساس آن، این‌طور نتیجه‌گیری می‌کنند که نازا با افتتاحیه بسیار خوبی نمایش عمومی‌اش را آغاز کرده است. استقبال بسیار خوب تماشاگران ایتالیایی از مستند نازا باعث ارائه این تحلیل خوشبینانه شده که نمایش عمومی آن در بقیه کشورهای قاره اروپا هم با استقبال بالای عموم مردم همراه خواهد بود. تعداد بسیار زیادی از مردم قاره اروپا در کنار سازمان‌ها و نهادهای مدنی و ضد جنگ قاره، در دو سال اخیر تظاهرات‌های زیادی در دفاع از مردم غزه و علیه جنگ‌طلبی حکام اسرائیل برپا کرده‌اند.

یک رویداد فرهنگی_هنری

منتقدان سینمایی در رابطه با نحوه اکران نازا به نکته جالبی اشاره می‌کنند. به‌گفته آنها قرار بود نازا طی یک رویداد فرهنگی_هنری و تنها به‌مدت سه روز (در فاصله روزهای ۲۸ تا ۳۰ سپتامبر) در ایتالیا به نمایش درآید اما واکنش بسیار گرم مردم ایتالیا به این فیلم و پست‌های بسیار زیادی که در شبکه‌های اجتماعی در این رابطه گذاشته شد، توزیع‌کنندگان فیلم را به این نتیجه رساند که آن را به‌صورت عمومی و در سطحی وسیع‌تر در سینماهای کشور اکران کنند. اهل فن به این نکته مهم اشاره می‌کنند که معمولا سالن‌های سینماها علاقه‌ای به نمایش و اکران تولیدات مستند ندارند. زیرا این باور عمومی وجود دارد که اینگونه فیلم‌ها مورد پسند و استقبال عامه تماشاگران قرار نمی‌گیرند. با این وجود، زمانی که توزیع‌کنندگان فیلم تاریخ رسمی اکران عمومی نازا را اعلام کردند، پیش‌فروش بلیت سینماهای نمایش‌دهنده بسیار با استقبال روبه‌رو شد و تعداد بسیار زیادی بلیت قبل از شروع اکران عمومی آن به فروش رسید.

اکران وسیع‌تر و بیشتر

حالا تهیه‌کنندگان نازا می‌گویند خود را آماده اکران وسیع‌تر بین‌المللی آن در بیش از ۵۰ کشور دنیا می‌کنند و اطمینان دارند استقبال تماشاگران بین‌المللی از فیلم در حد همان استقبال تماشاگران ایتالیایی خواهد بود. در همین حال، مدیران نشریه انگلیسی گاردین که از تهیه‌کنندگان فیلم هستند و خود مستند براساس تعدادی از گزارش‌های ضد جنگ آنها ساخته شده، گفته‌اند در اواخر ماه نوامبر این مستند را به‌صورت مجانی در وب سایت رسمی خود منتشر می‌کنند تا کسانی که موفق به تماشای آن در سالن‌های سینماها نشده‌اند، بتوانند آن را ببینند.

استقبال مشابه نیویورکی

نشریات سینمایی که پیگیر اخبار مربوط به نازا هستند درباره اکران ویژه آن در جشنواره فیلم نیویورک هم نوشته‌اند. این اولین نمایش مستند در خاک ایالات متحده آمریکا بوده است. استقبال تماشاگران از نازا در نیویورک دست کمی از استقبال ایستاده ۲۵ دقیقه‌ای تماشاگران جشنواره ونیز از این مستند تکان‌دهنده نداشت. یووان آبراهام و ریچل سوز دو کارگردان فیلم بعد از استقبال بسیار خوب نیویورکی‌ها از فیلم، در یک جلسه پرسش‌وپاسخ کوتاه شرکت کردند و با لحنی صریح گفتند آنچه در این مستند دیده می‌شود، دقیقا همان چیزی است که دولت آمریکا از آن حمایت می‌کند. به‌گفته آبراهام کسانی که هنوز چشمان خود را به‌روی واقعیت‌های تلخ آنچه در غزه می‌گذرد می‌بندند، در این جنایت‌ها سهیم و شریک هستند. آمریکا میلیون‌ها دلار پول و اسلحه به ارتش اسرائیل داده و این پول و سلاح‌ها علیه مردم بی‌دفاع فلسطین به‌کار گرفته می‌شود.

متن کامل